



بازهم به نوبه خود یکبار دیگر ایجاد و بیسایت علمی طبی را به نام "داکتران برای افغانستان" از صمیم قلب برای کمیته اهل فن طبی رضا کار بیرون وطن تبریک می گویم. واقعاً این یک اقدام بی نهایت مهم و مفید برای ارتقاء سطح دانش اهل طبابت وطن عزیز شمرده شده و زمینه ایجاد روابط اکادمیک را بین اهل طبابت بیرون وطن و داخل وطن میسر می گرداند.

موضوع بحث من اخلاق طبابت است که Medical Ethics نامیده می شود. این مشخصه نه تنها طبابت را احتوا می نماید، بلکه بحیث یک امر ضروری شامل همه فنون و تخصصات است که کاملاً از سطح فهم، دانش، لیاقت و ورزیدگی های علمی سوا بوده خود مظهر شایستگی های برگزیده انسانی است.

در طبابت بدون شک اهلیت فنی، لیاقت، درجه تحصیلی و تجربه و کار آزموده گی پایه های اساسی تداوی مؤجز است اما اخلاق طیب و نحوه برخوردش با مریض نقش براننده روانی دارد. دکتر مهربان، حوصله مند و خوش بر خورد اعتماد مریض را جلب نموده و به صحتیابی اش سرعت می بخشد. در دیدار شخصی مریض با طبیبش نه قاضی حضور دارد، نه پولیسی و نه خرنوالی. در آن فرصت فقط اخلاق طیب حاکمیت دارد و بس که با مریض خود چه رویه کرده و بروی اساسات انسانی و اخلاقی برای شفا یابی اش از چه تدابیر صادقانه استفاده می نماید.

خاطره خوبی دارم از اخلاق مسلکی در امور طبابت که آنرا با شما سهیم می شوم. پدر مرحومم در آخرین دوره های زندگی سخت علیل و ناتوان شده، زمینگیر بود. بارها در شفاخانه شهر در شمال کلیفورنیا بستر می شد. در یکی از ایام بستر بودنش من در بالینش قرار داشتم و در لحظه های آرامش اش از خاطرات گذشته وطن از خوبی ها، شایستگی ها، هم بستگی ها، وفاداری ها و صداقت ها در همه امور برایش قصه می گفتم که برایش دلپسند بود. همراه با پدرم سه پیر مرد زهیر و علیل دیگری در یک اتاق بستر بودند که هیچ کدام توان تشناب رفتن را نداشتند. پرستار (نرس) نهایت زیبا، قد بلند، اندام موزون موهای بلند خرمایی، چشمان فیروزه رنگ در وقفه های مختلف در اتاق آمده بر بالین یکا یک میرفت، با همه سلام داده احوال می پرسید و به روی شان دست می کشید. بعداً هر کدام را با نهایت احترام و محبت تنظیف و لباسهای شان را تبدیل نموده، در جریان این پاک کاری و شستشو نه تنها آثار کراهت در سیمایش پیدا نبود بلکه هزاران جان و قربان و ناز های انگیزی را نثار هر مریض می ساخت. برای هر مریض نامی داشت و پدرم را به مشوره ما پلار میگفت. نام این نرس Parry بود که پدرم او را پری جان صدا می کرد. او یک فرشته بود، به مجرد فشار زنگ مریض بلا درنگ حاضر می شد. البته که برای انجام وظایف محوله معاش می گرفت و لایحه وظایفی داشت، ولی این ابراز محبت، دلسوزی، شفقت و دلجویی در یک وقت حساس و نومیدی زندگی بشر بیانگر اخلاق نیکوی او بود. مزدی برای این مهربانی سخاوتمندانه نمی خواست و امرش حضور نداشت که آنرا قید سجل اش نماید بلکه احساس شریف انسانی و اخلاق مسلکی اش او را به این بزرگواری و میاداشت. ده سال از آن روز گذشت اما این خاطره در حافظه ام بحیث بهترین مثال اخلاق مسلکی حک شده است.

مثال های بیشماری از خدمات داوطلبانه داکتران امریکا و اروپا در قاره های دیگر وجود دارد که با قبول زحمات زیاد و خطرات جانی بروی ایجابات اخلاق مسلکی و احساس انسانی برای بشریت در خدمت اند.

در امور داد و ستد، تجارت، سیاست و اطلاعات جمعی با درک اهمیت رویه و پیش‌آمد مؤزون و تأثیرات آن بالای اتخاذ تصمیم مشتری و گیرنده پیام امروز بحیث یک مضمون علمی در چوکات پوهنتونها بنام Public Relation در امر سیاست، اقتصاد و اجتماعیات تدریس میگردد.

اما برخورد های فروشندگان و بدرقه کننده گان دم درب های بزرگ تشبثات خصوصی اکثراً میخانیکی بوده جزء لایحه وظایف و عاری از گرمی احساسات حقیقی بشری است و در عقب هر لبخند و پیش آمد نیک اهداف خاصی نهفته است ، ولی رویه نیک وقتی موثر است که واقعاً از دل بر خیزد. بهر حال مراعات اخلاق مسلکی در جمیع امور حیاتی دارای اهمیت بسزا است ولی تأثیر و اهمیت خارق العاده آن در طبابت بحیث یک ضرورت عمده در دوران نیازمندی، نا امیدی و ورشکستگی فوق العاده مؤثر است.

روی سخن من بیشترسوی اطباء محترم داخل وطن است که در پهلوی به خدمت گماشتن علم و دانش برای تداوی مریض بیشتر حالت روانی جامعه افسرده ، غمدیده و بحران زده را مورد توجه قرار داده در آن شرایط خاص از حکمت مرحمت، لطف، دلسوزی و دلجویی در معالجه استفاده نمایند. داکتر با احساس و با وجدان بیدار نباید مجبوریت ها و محدودیت های مریض بینوای افغان را وسیله بهره برداری مالی قرار دهد. البته داکتر حاذق مترادف با اعلاج مؤثر و رویه عالی انسانی در پرتو اخلاق مسلکی برای خود در جامعه شهرت و اعتبار کسب می نماید. در گذشته های دور شهرت اطباء ما بیشتر بر پایه های سلوک و رویه نیک و احترام به اخلاق طبی بوده است.